



## مجلس سوم

### سیاست‌های امویان در دین‌ستیزی و ارزش‌زدایی

آیت‌الله محمد مهدی آصفی

#### مقدمه

رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به دستور خدای متعال در زندگی مردمان به انقلابی فراگیر در تمامی باورها، اندیشه‌ها، عُرف‌ها، احکام، اخلاق و روابط دست زد و حیات جاهلیت را به طور کامل نابود کرده و بنای نو و کامل اسلام را در جامعه استوار ساخت و فرمود: اکنون مانند روز اولی است که خدا آسمان و زمین را آفرید و دگرگونی کامل و اساسی رخ داده است. در ادامه نیز افزود: «أَلَا كُلُّ شَيْءٍ مِنْ أَمْرِ الْجَاهِلِيَّةِ تَحْتَ قَدَمِي مَوْضُوعٌ؛ هر پدیده و نشانی از جاهلیت از بین رفته است»<sup>۱</sup>.

در کنار آن انقلاب فراگیر، رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به انقلاب و دگرگونی در جایگاه‌های سیاسی و اجتماعی دست زد و مردمانی را بر صدر نشانید که اسلام‌مدار و دین‌باور بودند؛ اما کسانی را از عرش به فرش آورد که در زمان و زندگی جاهلیت در اوج هَرَم اجتماعی و سرپرستی سیاسی و اجتماعی بودند. اسلام دیگر امتیازات و جایگاه اینان را برنمی‌تابید. چنین انقلابی ضروری و در راستای حمایت از انقلاب نخستین بود؛ چون باید انقلاب فکری و فرهنگی را دین‌مدارانی پشتیبانی و

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۱، ص ۴۰۵.

حمایت می‌کردند که درست‌کار و امانت‌دار بودند. انقلاب اجتماعی پس از انقلاب فرهنگی نمونه‌هایی داشت؛ از جمله امارت و صدارت عتاب بن اُسَید ۲۱ ساله بر مکه پس از فتح این شهر که سخت بر اشراف قریش گران آمد یا دستور به بلال حبشی که بر فراز کعبه اذان بگوید؛ چنان‌که اسامه بن زید جوان را فرمانده لشکر کرد. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فقط به نژاد عرب برتری نمی‌داد و توجه نداشت، بلکه سلمان فارسی، صهیب رومی و بلال حبشی را نیز ارج می‌نهاد و مسئولیت می‌داد. در شأن نزول آیه ۲۸ کهف آمده افراد مستکبر از قریش خدمت پیامبر رسیده، دیدند کنار رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بلال و صهیب و ابوذر و عمار و سلمان و... که افرادی گمنام و ندار بودند نشسته‌اند. قریشیان گفتند: اگر اینان را کنار گذاری، به تو ایمان می‌آوریم و پشتیبانی‌ات می‌کنیم؛ اما آیهٔ فوق نازل شده و خدا فرمود: با کسانی باش که پروردگار را صبح و عصر می‌خوانند و فقط رضای او را می‌طلبند و هرگز برای زیورهای دنیا، چشمان خود را از آنها مگیر و از کسانی که قلبشان را از یاد خود غافل ساختیم اطاعت مکن.

انقلاب فراگیر در هرم قدرت و حاکمیت اجتماعی - سیاسی، عالی را دانی، دانی را عالی، محکوم را حاکم و حاکم را محکوم گرداند و مستضعفان و محرومان را به اوج و قلهٔ هرم رساند. شاید آیات آغازین سوره قصص همین بُعد انقلاب الهی را بیان می‌کند که بنی اسرائیل به بند کشیده و مستضعف را به برکت رهبری خردمندانه حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام به سیادت و آزادی رساند؛ چنان‌که در زمان رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قریشیان مستکبر، همچون ابوسفیان را سر جای خود نشاند.

### دگرگونی اوضاع جامعه اسلامی پس از وفات پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

پس از درگذشت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اوضاع برگشت و مستکبران و مرفهان بی‌درد اموی و غیره توانستند دوباره بر جایگاه پیشین خویش دست یابند. بازگشت

جاهلیت آن هم در دوره‌های آغازین حیات اسلام، بسیار خطیر و سرنوشت‌ساز بود و تأثیر و پیامدهای منفی فراوان بر جای نهاد. اینان بر خلافت و سیادت اسلام چنگ انداخته، مفاهیم و باورها را تحریف و واژگون معنا کرده، از دین استفاده ابزاری نمودند. اوج این کژروی مخاطره‌آمیز در عهد یزیدبن معاویه به منصفه ظهور رسید. وی آشکارا کارهای حرام مرتکب شد، لهو و لعب نمود، به کشتار مؤمنان دست زد، منکر وحی و دیانت شد! این اوضاع خطر حقیقی برای اصل دعوت و رسالت و میراث انبیا و رسولان به شمار می‌آمد. مصیبت بدتر آن بود که یزید تمامی این کردار ناشایست را در مقام و موقعیت خلافت رسول الله انجام می‌داد! در چنین شرایطی امام حسن و امام حسین علیهما السلام افشاگری‌های خود را انجام داده، در پی آگاه‌کردن افکار عمومی بودند؛ از جمله امام حسین علیه السلام هنگام درخواست بیعت با یزید فرمود: «يَزِيدُ رَجُلٌ فَاسِقٌ شَارِبُ الْخَمْرِ قَاتِلُ النَّفْسِ الْمُحَرَّمَةِ مُعَلِنٌ بِالْفُسْقِ؛<sup>۱</sup> یزید مردی بدکردار، شرابخور، قاتل افراد بی‌گناه است و آشکارا گناه و تباهی می‌کند.» امام حسین علیه السلام در جایگاه میراث‌دار پیامبران و رسولان وظیفه داشت از تحریف مسیر اسلام جلوگیری کرده، نگذارد امت اسلامی گرفتار کژروی و گمراهی شود.

### سوءاستفاده امویان از ناتوانی خلیفه سوم

بنی‌امیه برای دستیابی دوباره بر موقعیت و جایگاه اجتماعی و مالی و سیاسی خود که پیش از اسلام داشتند، از ضعف و بی‌لیاقتی خلیفه سوم بهره جستند. وی به امویان گرایش و توجه داشت و بیت‌المال را نثارشان می‌کرد، چنان‌که فرتوتی و کهنسالی عثمان فرصت مناسبی برای امویان بود تا جایگاه و ثروت از دست رفته‌شان را باز یابند؛ از این‌رو از اعتماد کامل و ثروت و قدرت خلیفه به سود خود بهره‌برداری کرده، در پی کسب نفوذ و قدرت و موقعیت از کف داده بودند. بصره،

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۲۵.

کوفه، شام و مصر که ولایت‌هایی بزرگ و بااهمیت و استراتژیک بوده و در قدرت جنگی و اقتصادی و اجتماعی بسیار مؤثر بودند، در زمان عثمان به دست خویشان وی (امویان) افتاد که ثروت هنگفت بی‌شمار برای اینان به ارمغان آورد. والی بصره پسر دایی عثمان (عبدالله بن عامر) بود. والی کوفه ولید بن عقبه و سپس سعید بن عاص بود. معاویه حاکم مادام‌العمر دمشق و اردن سپس حُمص و فلسطین و الجزیره بود و والی مصر برادر رضاعی عثمان (عبدالله بن سعد).<sup>۱</sup>

اینان هیچ پیشینه‌ای در دین و جهاد اسلامی نداشتند، بلکه دینشان مورد تردید و شبهه بود که حتی گاه آشکارا فسق و فجور می‌نمودند؛ اما عثمان فقط بنی‌امیه و طبقهٔ مرفه قریش را قدرت و اختیار می‌بخشید و بیت‌المال بی‌حساب و کتاب در کف بی‌کفایت آنان بود. این آشوب افکار عمومی مسلمانان را برمی‌انگیخت و نارضایتی عمومی گسترده‌ای را در پی داشت و به ظهور طبقهٔ مرفهی در جامعهٔ اسلامی منتهی شد. در این‌باره گزارش ابن ابی‌الحدید معتزلی شنیدنی است: «عثمان اختیار مال و جان و مردمان را در اختیار بنی‌امیه نهاد، ولایات و سرزمین‌ها را بدانان واگذار می‌کرد. در زمان وی آفریقا فتح شد و تمامی درآمد آن به «مروان» بخشیده شد. حکم بن ابی‌عاص که توسط رسول خدا ﷺ تبعید شده بود، به خانه برگشته، ابوبکر و عمر مانع وی نشده؛ حتی بدو صد هزار درهم داده شد! میراث فاطمه ع غصب شده به امویان داده می‌شد...»<sup>۲</sup>.

## اعتراض و شورش ابوذر غفاری

ابوذر صحابی جلیل‌القدر پیامبر که شاهد عملکرد خلیفه و امویان و دیگر مرفهان بود، ساکت و بی‌توجه ننشسته، به عثمان و دیگران اعتراض می‌کرد و میان مردمان

۱. محمد مهدی شمس‌الدین، ثورة الحسين، ص ۴۰.

۲. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۹۸.

سخنرانی و افشاگری نموده و گفت: «کارهایی رخ داده که در کتاب خدا و سنت رسول سابقه‌ای ندارد و من نخواهم گذاشت حق خاموش و باطل زنده گردد و راستگویان را دروغ‌گو به شمار آورند. به کسانی که زراندوزی می‌کنند و آن را در راه خدا انفاق نمی‌نمایند، وعده آتش جهنم را می‌دهم... خدا در قرآن کریم فرموده است: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ»<sup>۱</sup> هرگز به حقیقت نیکوکاری نمی‌رسید مگر از آنچه دوست دارید، در راه خدا انفاق کنید».

### اوضاع جامعه اسلامی در زمان امام علی علیه السلام

ابوذر به سبب اعتراضات و سخنان افشاگر و حق‌طلبی، به ریزه تبعید شده بود؛ اما با روی کار آمدن امام علی علیه السلام تلاشی دوباره صورت گرفت تا ارزش‌ها و احکام اسلام حاکمیت مجدد یابد. امام آن‌قدر در حفظ بیت‌المال مواظبت می‌کرد که حتی شمشیر خود را فروخت تا غذا و پوشاک برای خود و خانواده‌اش تهیه کند، چنان‌که در قصر کوفه اقامت نکرد. امام خود را جزء مردمان عادی معرفی می‌کرد و هر حکمی را که بر آنان جاری و ساری می‌دید، بر خود نیز جاری می‌دید، چنان‌که مردم را به راه و سنت پیامبر هدایت می‌کرد و به هر کار شایسته‌ای که دستور می‌داد، خود عمل می‌نمود. هرچه عثمان به ناحق بخشیده بود، به بیت‌المال برگرداند؛ حتی اگر مهریه زنان شده بود. طبیعی بود که همگان عدالت امام را برنتابند و حسرت و طمع به داد و دهش معاویه داشته باشند؛ اما امام به هیچ‌روی و بی‌هیچ مصلحت‌اندیشی و صلاح‌دیدگی، مکر و فریب امثال معاویه را به کار نمی‌بست و خود فرمود: «وَاللَّهِ مَا مَعَاوِيَةُ بِأَدْهَى مِنِّي وَ لَكِنَّهُ يُغْدِرُ وَ يُفْجِرُ وَ لَوْ لَا كَرَاهِيَةُ الْعُدْرِ لَكُنْتُ مِنَ أَدْهَى النَّاسِ»<sup>۲</sup> به خدا سوگند! معاویه زیرک‌تر از من نیست، بلکه

۱. آل‌عمران: آیه ۹۲.

۲. ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۰، ص ۲۱۱.

مرتکب گناه می‌شود و فریب‌کاری می‌کند. اگر از حيله و نیرنگ بدم نمی‌آمد، از زیرک‌ترین مردمان بودم.»

### اوضاع جامعهٔ اسلامی در زمان امام حسن علیه السلام

با شهادت امام علی علیه السلام، حاکمیت و حکومت امویان ادامه یافت و کار سترگ و مهم امام در تحریف‌زدایی و کژروی از اسلام، بازگرداندن اموال به یغما رفته و مبارزه با سرکشان و طاغیانی همچون معاویه به فرزندش امام حسن علیه السلام به ارث رسید؛ اما مردمان و فرماندهان سپاه امام مجتبی علیه السلام چشم طمع و آرزوی بذر و بخشش معاویه دوخته، فریب حيله و نیرنگ او را خورده، امام مجبور به صلح شد و چنین شد که معاویه یکه‌تاز میدان گردید و در پی استحکام و استواری پایه‌های خلافت و حکومت خویش بود و خود اعتراف کرد: «قَاتَلْتُكُمْ لِأَنْتَأَمَّرَ عَلَيْكُمْ وَ عَلَي رِقَابِكُمْ...»<sup>۱</sup> فقط برای آن با شما می‌جنگیدم که بر شما حکومت کنم و جانتان به دست من باشد.

### دولت بنی‌امیه در تاریخ اسلامی

با خالی شدن عرصه از ارزش‌های جامعهٔ آرمانی رسول خدا صلی الله علیه و آله و حکومت علوی، امویان صفحهٔ جدیدی در تاریخ اسلام گشوده، مجد و قدرت جاهلی خویش را بازگردانده، بسیاری از ضد ارزش‌ها و شیوه‌های جاهلیت در حکومت و جامعه و ثروت را احیا کردند که تأثیر منفی بسیار بر اجتماع برجانه‌ها؛ از این‌رو دلیل نخستین و اصلی قیام امام حسین علیه السلام اعلام غیرمشروع بودن حکومت امویان و سرنگونی آنان و جلوگیری هرچه بیشتر انحرافات بود.

۱. همان، ج ۱۶، ص ۱۵.

در پی گزارشی که از اوضاع و اقدامات دولت بنی‌امیه تقدیم می‌شود مشخص می‌شود چگونه اسلام را تحریف کردند، جامعه اسلامی را گرفتار کژروی نمودند، جاهلیت را دوباره میان اجتماع برگرداندند و پیش از قیام امام و پس از آن چه رخ داد.

### گرایش‌های الحادی بنی‌امیه

گرایش‌های الحادی امویان ریشه‌دار و قدیمی بود. سردمداران این خاندان، ابوسفیان و معاویه و یزید بودند که کفر و الحادشان زبانزد همگان است. وقتی عثمان به خلافت رسید، ابوسفیان نزد وی رفته و گفت: «ای امویان! خلافتی که بدان امید و طمع داشتید، اکنون در دستان شماست. پس بین خود آن را دست به دست کنید».<sup>۱</sup> چنان‌که اموی دیگر مروان بن حکم به الحاد تظاهر می‌کرد و خود و پدرش (حکم بن ابی‌عاص) توسط پیامبر طرد و لعن شده بودند.

### اعتقاد دینی معاویه و یزید؟!!

دین و ایمان معاویه نیز مورد شک و شبهه بود و گاه در جمع خواص اظهاراتی می‌کرد که از حُبث و پلیدی ذاتی و بی‌دینی وی پرده برمی‌داشت؛ چنان‌که وقتی شنید اذان گو پنج بار در شبانه‌روز «أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» می‌گوید، با حسادت گفت: محمد ﷺ همتی عالی داشت و فقط بدین حد رضایت داد که پس از خدا نام وی برده شود.

گرایش‌های الحادی فرزندش یزید روشن‌تر از آن است که بازگو شود. وی گاه در شعر و با زبان خویش کفر می‌گفت و جرایمی مرتکب شد که تکان‌دهنده است؛ مانند کشتن امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ و اهل بیت و یاران او و همچنین ویران کردن مدینه منوره

۱. ابن‌عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، ج ۴، ص ۸۷.

و سپردن جان و مال مردم به سپاهیان خویش، چنان‌که در حضور همگان از جمله اهل بیت داغ‌دیده، بر سر امام با چوب خیزران می‌زد و شعر می‌خواند و می‌گفت: حال انتقام نیاکانم را می‌گیرم که در جنگ بدر به دست علی علیه السلام کشته شدند. یزید منکر وحی و رسالت شده، می‌گفت: «بنی‌هاشم با مُلک بازی کرده‌اند!»<sup>۱</sup>

### فسق و فجور آشکار امویان

یکی از بارزترین ویژگی‌های بنی‌امیه، رواج و گسترش گناه و منکرات بود. در دوران آنها غنا و می‌گساری و مجالس لهو و لعب بی‌پروا رایج و دایر بود. در کاخ و قصرهای خلفای اموی شرابخواری امری عادی و معمولی بود. معاویه آن را در خفا انجام می‌داد؛ اما یزید آن را آشکار کرد. نقل شراب با قطار شتران به قصر معاویه در تاریخ ابن‌عساکر آمده است. افرادی همچون «عبادة بن صامت» بر وی خُرده و عیب گرفته، اما توسط ابوهریره به سکوت توصیه شدند.<sup>۲</sup> یزید اولین خلیفه‌ای است که آشکارا شراب نوشید و مورد اعتراض افکار عمومی قرار گرفت؛ اما از وی که تبار و ریشه‌ای مسیحی داشت، چنین اقدام زشت و ناپسندی بعید نبود. دایی‌های وی از بنی‌کلاب صحرانشین بودند که در زمان جاهلیت، مسیحی بودند و به شکل کامل آداب و عرف مسیحیت را کنار نگذاشته بودند. یزید میان اینان بزرگ شد و خُلُق و خوی آنان را آموخت.<sup>۳</sup>

### تربیت مسیحی گونهٔ یزید

تربیت یزید به طور کامل در محیطی اسلامی نبود، بلکه - چنان‌که گفتیم - در

۱. ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۵، ص ۱۷۸.

۲. ابن‌عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۲۶، ص ۱۹۷.

۳. باقر شریف قرشی، حیاة الامام الحسن علیه السلام، ج ۲، ص ۱۸۰.



جامعه مسیحی خالصی بود که اسلام و مسلمانان را مسخره کرده، احکام آن را دست می‌انداختند! وقتی وی خلیفه شد، عادت و خوی مسیحی خود را نشان داده، اطرافیان و ندیمان او نیز علاقه و تمایلی به اسلام نداشتند. از این رو امثال «سرجون نصرانی» و «اخطل» شاعر مسیحی دوست و همنشین وی بوده و آوازخوانان و نوشندگان شراب و مسکرات اطراف یزید بودند.<sup>۱</sup>

بدکاران و فاسدان در سفر و حضر همراه یزید بوده، حتی پس از مرگ وی و به خلافت رسیدن عبدالملک بن مروان، امثال اخطل و دیگر فاسدان به دربار رفت و آمد داشتند و نیازمند کسب اجازه برای ورود نبودند. گاه چنان در نوشیدن زیاده‌روی می‌کردند که شراب از ریش کثیف‌شان بر زمین می‌چکید!<sup>۲</sup>

توصیه پدر (معاویه) به فرزند (یزید) کارگر نیفتاد. پدر گفته بود: در شب و مخفیانه و خصوصی شراب بنوشد و آشکار و در مقابل دیدگان مردمان منکرات را مرتکب نشود تا مبادا بهانه به دست دشمنان داده و دوستان را خوش نیاید. یزید حتی در سفر حج در مدینه شراب نوشید. امام حسین علیه السلام شاهد ماجرا بود<sup>۳</sup> که به اعتراض مجلس را ترک کرد؛ چنان‌که یزید در جنگ سال ۴۹ هجری با روم در آغوش معشوقه‌اش شراب می‌نوشید و به مشکلات و سختی‌های سپاهیان اهمیت نمی‌داد.<sup>۴</sup> پیرامون یزید میمون و پلنگ و سگ بوده، دائماً مست بود!<sup>۵</sup> وقتی میمون وی (ابوقیس) مُرد، دستور داد در رثای آن شعر گفته، جنازه‌اش را کفن کرده و با

۱. ابوالفرج الاصفهانی، الأغانی، ج ۱۷، ص ۱۹۲.

۲. باقر شریف قرشی، حیاة الامام الحسین علیه السلام، ج ۲، ص ۱۸۴؛ ابوالفرج الاصفهانی، الأغانی، ج ۷، ص ۱۷۰؛ ابن کثیر، البداية والنهاية، ج ۸، ص ۲۲۸.

۳. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۱۲۷.

۴. ابوالفرج الاصفهانی، الأغانی، ج ۱۷، ص ۲۱۰.

۵. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۵، ص ۱۳۱؛ علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب و معادن الجوهر، ج ۳، ص ۶۷.

احترام به خاک بسپارند!

میگساری و منکرات را در زندگی دیگر خلفای اموی از جمله ولید بن یزید نیز شاهدیم، چنان‌که از دیگر کشورها آوازه‌خوان به قصر خلیفه آورده، بیت‌المال مسلمانان را نثار آنان نموده و مبالغ‌گرافی پرداخت می‌کردند. اگر تاریخ‌نگاران از هر مذهبی گوشه‌ای از فسق و فجور امویان را گزارش نمی‌کردند، باور این همه فساد و تباهی غیر ممکن بود.

### شیوه‌های امویان در آزار و تحقیر مسلمانان

حاکمان اموی شیوه‌های شگفتی در خوار و خفیف کردن امت و سرکوب نمودن شخصیت آنان داشتند تا بتوانند با خودباختگی مردمان بر آنان حکم رانده، از هر مخالفت و مبارزه‌ای جلوگیری کرده و احدی اعتماد و شهامت و جرئت سرپیچی از حکومت را نداشته باشد. سیاست زورگویانهٔ امویان به اندازه‌ای رسید که مردان مسلمان را عبد و برده خود و زنان را کنیز خویش گرفته و خرید و فروش می‌کردند، به ویژه اگر از خاندانی دوست‌دار اهل بیت علیهم‌السلام بودند. فروش زنان مؤمن قبیلهٔ همدان به جرم هواداری از عترت پیامبر معروف است. آنان نخستین زنان مسلمان آزاده‌ای بودند که در اسلام به اسارت گرفته شدند!<sup>۱</sup> چنان‌که حجاج بن یوسف ثقفی در پی شورش و سرپیچی اهالی عراق آنها را تبعید کرد و عجم‌ها (موالی) را به دیار خود فرستاد. مسلمانان انقلابی را مانند بردگان داغ کرده، به زادگاه خویش تبعید نمودند!<sup>۲</sup> خلفا مسلمانان را همچون مشرکان می‌دانستند و با هم‌کیشان خویش مانند بی‌دینان برخورد می‌کردند! یزید به فرمانده سپاه خود (مسلم بن عقبه) اجازه داد در واقعهٔ حرّه و یورش به مدینه منوره، اختیار جان و مال مسلمانان را داشته، حتی آنها را

۱. ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الأصبحاب، ج ۱، ص ۱۶۱.

۲. ابن عبدربه، عقد الفرید، ج ۳، ص ۳۶۴.

به اسارت گیرند، فقط بدین بهانه که زیر بار بیعت با یزید نرفته بودند<sup>۱</sup> با این شگرد مبارزان و مخالفان سیاسی خود را از هستی ساقط کرده، پایه‌های حکومت‌شان را بر سرنوشت مردمان چیره و استوار می‌نمودند!

### شیوه‌های معاویه در غیرت‌سازی و تبعیض نژادی

معاویه و سرسپردگانش به خوبی می‌دانستند که چگونه بین مسلمانان فتنه و آشوب برانگیزند و به اختلافات بین عرب و قبایل دامن بزنند. با شگرد و شیوه «تفرقه بینداز و حکومت کن» زیاد بن ابیه توانست قبایل عراق را زیر یوغ بردگی و بندگی خویش درآورد؛ چنان‌که معاویه در این باره حيله‌گر و شیطان بود و می‌کوشید بین امام حسن علیه السلام و اصحاب به‌جامانده از زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله اختلاف بیندازد و به سود خود بهره‌برداری کند. دامن‌زدن به اختلافات قومی قبیله‌ای و تعصبات (که اسلام آنها را طرد کرده و کم‌رنگ نموده بود) هنر زشت امویان بود. آنان بین عرب و عجم دودستگی و پراکندگی ایجاد کرده، عرب را بر غیرعرب ترجیح و برتری می‌دادند با وجود آنکه قرآن فرموده بود: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ»<sup>۲</sup>. معاویه موالی (عجم) را بر کارهایی سخت و پست همچون راه‌سازی و ساخت بنا و ساختمان می‌گمارد و اجازه مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی - سیاسی به آنها نمی‌داد و حتی فقیهان و نظامیان از تحقیر و توهین مصون نبودند. کسانی که در عراق و بصره علیه حجاج بن یوسف ثقفی قیام کرده بودند، احکام تبعید و مهاجرت اجباری به روستاها گریبانگیرشان شد و نامشان از دیوان بیت‌المال حذف شد. برخی را مجبور کردند جزیه پردازند، در حالی که غیرمسلمانان (اهل کتاب) باید جزیه می‌دادند و

۱. ابن اثیر، الكامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۱۸؛ ابن قتیبة الدینوری، الإمامة والسیاسة، ج ۱، ص ۲۳۱-

۲۳۲.

۲. حجرات: آیه ۱۳.

یا مسلمانان مطرود و رانده‌شده را در جنگ و جهاد به بیگاری می‌گرفتند بی‌آنکه رزق و روزی به آنان بدهند. گرایش‌های قومی عربی آسیب بسیاری بر پیکرهٔ جامعه اسلامی وارد آورده، بین عرب و عجم فاصله انداخته و مسلمانان را گرفتار چنددستگی و پراکندگی کرد.

### مقایسه سیاست مالی بنی‌امیه و امام علی علیه السلام

معاویه می‌گفت مال، مالِ خداست و وی خلیفهٔ خداست، پس حق دارد هرگونه که می‌خواهد در مال خدا بی حساب و کتاب دخل و تصرف کند. بر سر این موضوع بین وی و صحابی جلیل‌القدر ابوذر بحث بالا گرفت. ابوذر به اسراف و تبذیر معاویه اعتراض می‌کرد و آن را مخالف سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌دانست. هر سرزمین آباد و خوش آب و هوا مخصوص معاویه بود و هر مال و ثروت ارزشمند و پربها به او اختصاص داشت.<sup>۱</sup> چنان‌که گاهی ولایتی همچون خراسان را به یکی از نور چشم‌های خود (سعید) می‌بخشید یا مصر و مغرب را به عمرو بن عاص! حال این بذل و بخشش‌های نامشروع را با حسابرسی عادلانه و دقیق امام علی علیه السلام مقایسه کنید. وقتی به امام خبر رسید کارگزارش (مصقله بن هبیره) در فیروزآباد اموال و اراضی آن سامان را به خویشانش می‌بخشد، به او نامه نوشت و فرمود: «خبری شنیده‌ام که باورم نمی‌شود و آن اینکه دارایی مسلمانان را به قوم و خویشانت می‌بخشی، نیز به طرفداران و شاعرانی که وجیزت را گویند. در این باره تحقیق می‌کنم و اگر راست بود، مجازات می‌شوی؛ اما از جمله زیانکارانی مباش که تمامی سعی و تلاش‌شان برای زندگی دنیاست».<sup>۲</sup> چنان‌که امام به عثمان بن حنیف انصاری (کارگزار بصره) نامه نوشت که به او خبر رسیده سر سفرهٔ چرب و

۱. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۳، ص ۱۱۴.

۲. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ص ۲۰۱.

نرمی حاضر شده، غذاهای رنگارنگ خورده است، با وجود اینکه مردم گرفتار کمبود آذوقه‌اند و به سختی شکم خویش را سیر می‌کنند.

### بهره‌گیری مالی امویان برای اهداف سیاسی

بنی‌امیه برای دستیابی بر اهداف سیاسی خویش به گونه‌گسترده و بی‌دریغ، از بیت‌المال بهره‌برداری می‌کردند. معاویه افراد را تطمیع کرده، برای به‌دست‌آوردن دل و رأی ایشان، مال انبوه می‌بخشید. وی می‌دانست مال، دوستی و محبت نمی‌آورد؛ فقط برخی مخالفان را می‌توان ساکت کرد و بعضی افراد را می‌توان با پول راضی گرداند و وجدانشان را خرید. نقل است وقتی معاویه برای پسرش یزید بیعت گرفت، شاعران چاپلوس و شخصیت‌های معروف گوی تملق را از هم ربودند، حتی خود یزید می‌دانست اینان راست نمی‌گویند و چاپلوسی می‌کنند؛ از این‌رو از پدر پرسید: اینان ما را می‌فریند یا ما آنان را گول می‌زنیم؟! معاویه پاسخ داد: هرکه را بخواهی بفریبی، او نیز تو را می‌فریبد.<sup>۱</sup>

خلفای اموی با پرداخت مبالغ هنگفت و غیر آن، دین و وجدان افراد را خریده، در راه مطامع و اهداف سیاسی خود از آنان بهره‌برداری می‌کردند.

### جعل حدیث

از خطرترین اقدامات ناجوانمردانه امویان در راستای تحریف دین و استفاده ابزاری از مقدسات و باورهای مذهبی مردم، جعل حدیث بود. آنان برخی صحابه ساده‌لوح و ضعیف‌الایمان را فریفته و به جعل احادیث دروغین از زبان پیامبر ﷺ وامی‌داشتند. مردم از آن‌رو که این اصحاب در زمان رسول خدا بودند، حضرت را

۱. محمد بن یزید مبرد، الکامل، ص ۳۰۵.

دیده و درک کرده و حدیث و سخنش را شنیده بودند، سخنشان را باور می‌کردند و با این شگرد خلفا به اهداف سیاسی‌شان می‌رسیدند. در زمان امویان و عباسیان آن‌قدر بر رسول خدا ﷺ دروغ بستند که تشخیص صحیح از ناصحیح مشکل و سخت می‌نمود. شماری از احادیث جعلی در سرزنش و تنقیص امام علی علیه السلام بود که توسط برخی صحابه و تابعین جعل می‌شد، چنان‌که دربارهٔ فضایل صحابه دروغ‌پردازی می‌شد تا به جنگ و مخالفت با بنی‌هاشم پردازند.<sup>۱</sup> معاویه به کارگزارانش نوشت: «بررسی کنید چه راویانی طرفدار و دوست‌دار عثمان‌اند و درباره‌اش فضایل و مناقب می‌تراشند. اینان را نزد خود جا داده، مقرب خویش ساخته و گرامی بدارید!». دروغ‌گویان روایت‌پرداز هر روایت و حدیثی جعل می‌کردند، از معاویه جایزه و پاداش و صلّه می‌گرفتند. وقتی حدیث دربارهٔ عثمان فراوان شد و در هر کوی و برزن رواج یافت، معاویه به والیانش نوشت: «اکنون دربارهٔ فضایل صحابه و خلفا همت گمارید؛ اما در مورد ابوتراب [امام علی] نگذارید حتی یک حدیث رواج یابد مگر آنکه ضد و تنقیص آن را از صحابه نقل کنید!»<sup>۲</sup>

بارزترین صحابی که به جعل حدیث همت گمارد، ابوهریره بود که بسیار مورد بهره‌برداری سیاسی معاویه قرار گرفت. وی ساده‌لوح بود و شخصیتی ضعیف داشت و برای روایات دروغینی که جعل می‌کرد، مال و منصب فراوان از معاویه دریافت داشت، آن‌قدر که بی‌نیاز شد.

در جای دیگر معاویه چهارصد هزار درهم به سمرة بن جندب داد تا به دروغ بگوید آیهٔ زیر در سرزنش امام علی علیه السلام نازل شده است: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا...»<sup>۳</sup>.

۱. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، ج ۴، ص ۶۳؛ همان، ج ۱۱، ص ۴۶.

۲. عبدالحسین امینی، الغدیر، ص ۲۸؛ احمد امین مصری، فجر الاسلام، ص ۲۷۵.

۳. بقره: آیه ۲۰۴ - ۲۰۵؛ ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، ج ۴، ص ۷۳.

## اهداف سیاسی امویان در جعل حدیث

از جمله اهداف سیاسی امویان برای جعل حدیث می‌توان موارد زیر را برشمرد:

### ۱. مخالفت و هم‌آوردی با امیر مؤمنان علیه السلام

این احادیث دروغین بدان منظور در جامعه اسلامی پخش و نشر می‌شد که باور و اعتقاد مردم به امام و اهل بیت علیهم السلام مخدوش شده، کسی دیگر به عترت و خاندان پیامبر ایمان و اعتمادی نداشته باشد. شماری از این احادیث جعلی به صحیح بخاری راه یافته است که با بررسی و ریشه‌یابی روایات به دروغین بودن آنها پی برده و نیز اهداف سیاسی مذهبی پشت پرده دانسته می‌شود؛ از جمله این روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّ آلَ أَبِي طَالِبٍ لَيُسْوَأُ لِي بِأَوْلِيَاءِ إِنَّمَا وَلِيِّي اللَّهُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ»<sup>۱</sup>.

### ۲. ستایش معاویه

دنیارپرستان و طمع‌ورزان با هدف کسب مال و توجه معاویه، در وصف وی احادیث دروغ می‌گفتند. علامه امینی در کتاب الغدير<sup>۲</sup> شماری از این روایات را آورده و از حیث سند و دلالت آنها را نقد و بررسی کرده است. بیشتر راویان اهل شام اند که توسط رجال‌شناسان و خبیرگان حدیث و روایت، غیرمعتبر و ناعادل معرفی شده‌اند.

### ۳. قداست‌بخشی به منطقه شام

معاویه می‌کوشید مرکز حکومت و قدرت خویش (شام) را قداست و احترام ویژه‌ای ببخشد و قداست و حرمت حرمین شریفین (مکه و مدینه) را به شام بدهد. واقدی تاریخ‌نگار می‌نویسد: سال ۴۱ هجری پس از صلح با امام حسن علیه السلام وقتی معاویه از

۱. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۶۴.

۲. عبدالحسین امینی، الغدير، ج ۱۰، ص ۳۷۴-۳۸۳.

عراق به شام برگشت، میان مردمان سخنرانی کرد و گفت: «رسول خدا به من فرمود: پس از من توبه خلافت می‌رسی، پس سرزمینی مقدس برای حکومت برگزین...»<sup>۱</sup>

#### ۴. واداشتن مردم به اطاعت از امویان

سلطنت برای معاویه کافی نبود، چنان‌که جرایمی همچون جنگ صفین و نبرد با امام علی علیه السلام و امام حسن علیه السلام روح پلید وی را ارضا نمی‌کرد. وی با امام حسن علیه السلام پیمان صلح بست؛ اما بعداً بندهای قرارداد را زیر پا نهاد. گرچه سلطان بلامنازع اسلام شده بود، اما هنوز بسیاری به ویژه اهالی عراق و حجاز در مشروعیت حکومت وی تردید داشتند و دودل بودند؛ از این‌رو معاویه و پس از وی دیگر حاکمان اموی در پی آن بودند که با استفاده از جعل حدیث، مردم را به تدریج به اطاعت و پیروی از خویش وادارند و همگان باور کنند اینان جانشینان و خلیفهٔ برحق رسول خدایند؛ پس اگر دچار ناراحتی و سختی و مشقتی گردند، در راه اسلام و دین است و این وضع سرنوشت خدادادی مردم است! احادیثی جعل می‌شد که به همگان می‌آموخت صبر و شکیبایی و خون‌دل‌خوردن، اجر و پاداش دارد؛ اما بی‌تابی و اعتراض سبب ضایع شدن اجر و ثواب است.<sup>۲</sup> به نقل از رسول خدا می‌گفتند: «ایشان پیش‌بینی کرده در آینده مردم شاهد اموری به ظاهر منکر و ناپسند خواهند بود؛ اما با این حال از خلفا و حاکمان پیروی کرده، کار خود را به خدا واگذارید و از پیشگاه الهی دادخواست کنید!»<sup>۳</sup>

اما کسی که با روح اسلام و آموزه‌ها و اصول سیاسی و حکومتی آن آشناست و می‌داند دین به رویارویی و نبرد با حاکمان منحرف و گمراه برمی‌خیزد و با حماسه و

۱. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۷۳.

۲. ابن قتیبه الدینوری، الشعر والشعراء، ص ۵۷۲.

۳. حافظ ابوعبدالله محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۸۱.



انقلابی است، پی می‌برد که چنین احادیثی جعلی بوده و در خدمت به امویان جعل و وضع شده است.

### نقد احادیث جعلی

چگونه می‌توان در برابر ستم و بیداد و فساد حاکمان ساکت بود و با ایشان مخالفت نکرد و احکام عملی دین را که هدف برپایی حکومت و دولت است، زیر پا نهاد و نادیده گرفت؟! آیا می‌توان باور کرد رسول خدا ﷺ فرموده: در هر حال واجب است از حاکمان اطاعت کنید مگر کفر روشنی ببینید؟! آیا نباید به بار شرابی که توسط شتران به شام برای معاویه بُرده می‌شود، اعتراض کرد و فقط در خانه و مسجد نشست و به عبادت و پرستش مشغول بود و گفت: حساب هر کس دست خداست؟!<sup>۱</sup>

### موضع اسلام در برابر ستمگران

با مطالعه و بررسی آیات و احادیث متواتر بی‌هیچ زحمت و تکلفی درمی‌یابیم که موضع اسلام در برابر بیدادگران، زیر بار ظلم نرفتن و عدم اعتماد و اتکا و دوستی و طرفداری از ستمگران و ظالمان است: «وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ؛<sup>۱</sup> بر ظالمان تکیه نکنید که سبب می‌شود آتش شما را فراگیرد.» آیه شریفه بدان معناست که از اینان پیروی نکرده و به آنان گرایش پیدا نکنید.<sup>۲</sup>

باید از کفرورزان و بدعت‌گذاران معصیت‌کار دوری و بیزاری جست.<sup>۳</sup> علامه طباطبایی در مناقشه با نویسنده تفسیر المنار می‌نگارد: ظالمین در آیه به مشرکان اختصاص نداشته، در بردارنده ستمگران امت اسلام نیز بوده، برخی اینان از

۱. هود: آیه ۱۱۳.

۲. محمد قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۹، ص ۱۰۸.

۳. همان.

بیدادگران عاد و ثمود بدتر بوده، سرکش‌تر از فرعون و هامان و قارونند. هرکه ستمگر باشد [چه مشرک و چه مسلمان و چه اهل کتاب] آیه در بردارندهٔ اوست.<sup>۱</sup> روایت در این‌باره بسیار و به حد تواتر رسیده، روشن و همخوان با کتاب خدا و روح اسلام و تعالیم و احکام آن است.

### برترین جهاد

ترمذی در سنن می‌گوید که پیامبر ﷺ فرمود: «إِنَّ مِنْ أَعْظَمِ الْجِهَادِ كَلِمَةً عَدِلَ عِنْدَ سُلْطَانٍ جَائِرٍ؛<sup>۲</sup> از جمله مصادیق برترین جهاد، گفتن سخن عادلانه در حضور سلطانی ستمگر است.» همچنین: «أَحَبُّ الْجِهَادِ إِلَى اللَّهِ كَلِمَةً حَقٌّ تُقَالُ لِإِمَامٍ جَائِرٍ؛<sup>۳</sup> محبوب‌ترین جهاد نزد خدا سخن حقی است که به پیشوایی ستمگر گفته شود.» بی‌توجهی در این‌باره و نهی از منکر نکردن، همچون کشتی دانسته شده که برخی در طبقات پایین، آن را سوراخ کرده، سرنشینان طبقات بالا بگویند: به ما ربطی ندارد!<sup>۴</sup> چنان‌که فردی ساده‌لوح و خوش‌باور به امام علی عليه السلام در جنگ صفین عرض کرد: شما به عراق برگرد و ما به شام و کاری به همدیگر نداشته باشیم. امام فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَرْضَ مِنْ أَوْلِيَائِهِ أَنْ يُعْصَى فِي الْأَرْضِ وَهُمْ سُكُوتٌ...»<sup>۵</sup> خدا راضی نیست اولیانش ببینند روی زمین نافرمانی خدا می‌شود؛ اما آنان ساکت بنشینند و امر به معروف و نهی از منکر نکنند. جهاد در این راه برای من آسان‌تر از بازکردن غل و زنجیر در جهنم است.»<sup>۶</sup>

۱. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص ۵۴.

۲. ابوعیسی ترمذی، سنن ترمذی، ج ۳، ص ۳۱۹.

۳. متقی هندی، کنز العمال، ش ۵۵۱۰.

۴. ابوعیسی ترمذی، سنن ترمذی، ج ۴، ص ۴۷۰، ح ۲۱۷۳.

۵. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۳۲، ص ۵۲۶.

۶. نوشتار حاضر، بخشی از کتاب در مکتب عاشورا اثر مرحوم آیت الله محمد مهدی آصفی می‌باشد که با اندکی تصرف، سامان یافته است.